

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ جنوری ۲۰۲۳

حملة طالب بر زبانهای رسمی و تاریخ کشور!

یکشنبه - ۱۸ جدی ۱۴۰۱ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که نظام ملاسالار طی فرمانی نام ۸ قول اردوی کشور را که دری و یا پشتو بودند، تغییر داده بر آنها نامهای عربی که همه اسامی غزوات پیامبر اسلام اند، گذشته است. در یادداشت امروز بحث مختصری در همین مورد تقدیم خوانندگان گرامی پورتال می نمایم تا ضمن آشنائی با تاریخ چنین تلاشهایی، هدف از انجام چنین کاری نیز واضح گردد.

۱- طبق یک قاعده کلی که اشغالگران همزمان با ورود مسلحانه به یک کشور و اشغال آنجا، تلاش می ورزند تا جهت تداوم قدرت و حاکمیت شان در مناطق مفتوحه، فرهنگ خودشان به خصوص زبانشان را نیز با زور و با بذل پول وارد آن سازند تا باشندگان بومی آن سرزمین را با فرهنگ و زبان و تاریخ آنها بیگانه ساخته، همزمان با بسط قدرت و حاکمیت شان در منطقه مفتوحه فرهنگ زدائی نیز نمایند؛ بر همین مبنا زمانی که مهاجمان اشغالگر عرب، بعد از مرگ محمد، به جهانکشانئی آغاز نمودند در تمام مناطق مفتوحه فرهنگ و زبان عربی را نیز وارد نموده، در یک مبارزه سخت و نفس گیر قادر شدند در جریان دهه ها و حتا یکی دو سده، قسمت اعظم از مناطق مفتوحه را با زبان و فرهنگ پارینه شان بیگانه ساخته، همه را معرب بسازند. نتیجه این تلاش استحاله ده ها کشور و قوم غیر عرب، به معرب شدن بود.

۲- با تمام موفقیت هائی که این تلاش زر و زور و تزویر در تمام شمال افریقا و بخشهایی از خاور میانه داشت، وقتی در تقابل با فرهنگ پربار و غنی آریائی و زبان فارسی-دری قرار گرفت، به گواهی تاریخ که مهاجمان نه تنها نتوانستند حوزه فرهنگی زبان فارسی- دری را از بین ببرند و یا در خود حل نمایند، بلکه این زبان دوشادوش و به مثابه مکمل دیانت اسلام در مناطق مفتوحه شرق، بستر خود را گسترده، کار را تا جائی رسانید که از قسطنطنیه در غرب الی دکن در شرق و جنوب شرق هندوستان، باشندگان آن مناطق به همان سان که دیانت شان را به اسلام تغییر داده بودند، زبان شان را به زبان فارسی- دری نیز تغییر دادند. به خصوص زمانی که فقهائی مانند "ابوحنیفه" حتا خواندن نماز را نیز به زبان فارسی- دری جایز اعلام نمودند، دیگر مشکلی برای بقاء و گسترش این زبان و فرهنگ آن باقی نماند.

۳- تا جائی که از مطالعه تاریخ سده های سوم و چهارم هجری که زمان تشکیل حاکمیت های مستقل خراسانی از طاهریان گرفته تا غوریان و سامانیان و حتا بعد تر تیموریان بر می آید، فرزندان راستین این خطه هر چند دیانت اسلام را در طی دو و نیم قرن پذیرفته بودند، مگر نه سلطه سیاسی اعراب را قبول داشتند و نه از لحاظ فرهنگی سلطه فرهنگ اعراب به خصوص زبان عربی را پذیرا شدند.

خوانندگان گرامی که حتا در دهه های ۵۰ و ۶۰ هجری - شمسی در افغانستان مکتب رفته اند، وقتی معلم زبان دری خواسته راجع به نخستین شعر زبان دری درس بدهد، از "یعقوب لیث صفاری" و تذکری که به "حفظه بادغیسی" می دهد و به نحوی از شنیدن تعریف خودش و حاکمیتش به زبان عربی امتناع می ورزد و در نتیجه "حفظه بادغیسی" با سرودن شعر " ای امیری که امیران جهان" نظر "یعقوب" را به خود جلب می نماید، آشنائی دارند. از همان زمان تا امروز نه تنها مدافعان فرهنگ عربی چه در حاکمیت و چه خارج از حاکمیت، بلکه هر نیروی مهاجمی که خواسته بر منطقه تسلط یابد، یکی از اساسی ترین و نخستین گامهایش را "فارسی- دری" زدائی ساخته است.

این تقابل که در بستر زمان عمدتاً از چهار جانب، یعنی از طرف شمال به وسیله روسها، از سمت جنوب به وسیله انگلیسها، از سمت شمال غرب به وسیله ترکها و از جانب جنوب به وسیله اعراب، در یک اتحاد نامقدس همزمان پیش برده می شد قادر شدند در جریان قرون ۱۹ و ۲۰، زبان "فارسی- دری" را که تا آنزمان در تمام آن مناطق زبان رسمی و اداری حاکمیت ها متعدد بود، قدم به قدم عقب زده، در نیم قاره هند زبان انگلیسی و اردو را جایگزین آن کنند، در شمال یعنی حاکمیت های آسیای میانه، زبان روسی را، در شمال غرب زبان ترکی و در جنوب غرب عربی را بر آن مسلط بسازند.

۴- این تلاش رذیلانه در تمام قرن ۲۰ و قرن حاضر حتا برای یک لحظه متوقف نشده، عناصر وابسته به استعمار و ارتجاع که هدفی به غیر از انقیاد دایم مردم و سلطه دایمی خودشان بر کشور ما نداشتند، با سوء استفاده از عقیمانی فرهنگی عمومی و تحریکات تعدادی از عناصر خود فروش، هدف نامقدس فرهنگ زدائی شان را در عقب به هم اندازی زبانهای دری و پشتو پنهان می نمودند.

حرکتی که امروز طالب و نظام ملاسالار انجام داد و به جای و در عوض نامهای پشتو و دری، کلمات عربی که همه آنها راهگیری ها و جنگهای تجاوزکارانه محمد را بازتاب می دهند، در واقعیت تلاشیست از نو تا آنچه را اجداد و نیکه های عرب شان نتوانسته بودند انجام دهند و به یمن مبارزات آزادیخواهانه باشندگان اصیل این میهن به شکست مبدل شده بود، امروز اینها با سنگر گرفتن در عقب عقاید مردم انجام دهند.

هموطنان گرامی!

صرف نظر از انتخاب این و یا آنزمان، جایگزینی نامی مانند "میوند" به "بدر، احد، خندق، خیبر و" از لحاظ محتوا نیز تخطئه تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم ما می باشد. چه وقتی یک فرزند افغان نام "میوند" را می شنود، "حماسه میوند" با شیرزن آن حماسه "ملالی" در ذهن انسان متبادر می گردد، حماسه ای که پشت ابرقدرت زمانش را در یک دفاع عادلانه از خاک و ناموسش به خاک مالید، مگر وقتی انسان "جنگ خیبر" را به مثابه بدیل آن نام می خواند، ماهیت تجاوز کارانه سپاهیان اسلام و هجوم و حشیانه آنها برخانه های تعدادی از باشندگان یهودی "یثرب" در ذهن انسان مجسم می گردد، که همزمان با آن که اجساد مردان "خیبر" در روی خاک افتاده بودند، زنان شان زیر پای مهاجمان اسلامی در پیشاپیش آنها شخص محمد قرار داشت. حرکتی تاوانش را تا امروز خلق دربند فلسطین می دهد.

چنین نامگذاری ها، تنها اهانت به من و تو نیست بلکه زیر پای نمودن خون هزاران هزار جانبازی است که در طول ۲۵۰ سال علیه سلطه عرب جنگیده از این خاک دفاع نموده اند. بناءً باید بدانیم که سکوت و بی عملی ما در قبال تصامیم ضد ملی و خاینانه طالب و نظام ملاسالار، مسؤولیت ما را در قبال تاریخ کشور نیز بالا می برد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!